

ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن

شهلا باقری*

چکیده: کار خانه‌داری زنان در محیط خانه، دارای ارزش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و مشتمل بر انجام فعالیت‌های متنوع زنان در خانه است که عمدتاً، پنهان و نامحسوس بوده و به‌علاوه نقش آن در اقتصاد و اجتماع تبیین نشده است. به عبارت دیگر، بخش اعظم فعالیت‌هایی که زنان در زمینه نگهداری و تداوم منابع انسانی و مراقبت از کبان خانواده انجام می‌دهند و محل اجرای آن در منزل است، در حسابرسی‌ها و آمارگیری‌های ملی به حساب نمی‌آید. هدف این مقاله، محاسبه ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و بررسی برخی عوامل مؤثر بر آن است. بر اساس محاسبات، ارزش افزوده هفتگی کار خانه‌داری زنان معادل مبلغ ۱۶۰۰۰۰۰ ریال برآورد گردید. روش مورد نظر در این پژوهش، روش پیمایشی و ابزار مورد استفاده در این روش، پرسشنامه بوده و از شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی استفاده شده است. پس از تکمیل پرسشنامه نهایی از ۲۰۰۰ زن خانه دار، داده‌های مربوط جمع آوری و توسط نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سه متغیر «سن زن»، «تحصیلات زن» و «تعداد اعضای خانواده» اثر معناداری در تبیین متغیر ارزش افزوده کار خانه‌داری داشته و در معادله نهایی رگرسیون باقی ماندند. در بین متغیرهای مستقل، متغیر «تعداد اعضای خانوار» بیشترین سهم را در تبیین تغییرات ارزش افزوده کار خانه‌داری داشته است.

واژگان کلیدی: کار خانه‌داری، ارزش افزوده، رهیافت نهاده، رهیافت ستانده، زنان خانه‌دار.

مقدمه و طرح مسئله

در سال جهاد اقتصادی و تحقق اهداف این برنامه راهبردی کشور در حوزه اقتصاد خانواده، توجه به نقش خانه‌داری زنان و سهم آنان در اقتصاد منزل و اقتصاد جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. از آن رو

sbagheri@tmu.ac.ir

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مورد حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم (فاز دوم) و وزارت کار و امور اجتماعی (فاز اول) است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۹/۱۳

که خانواده، نهاد فطری و اجتماعی است که بر پایه ازدواج قرار گرفته است و نوع دوستی و یگانگی زوجین در نهاد خانواده، بهترین فرصت را برای اتحاد و وحدت کاری، اخلاقی و روانی به وجود می‌آورد و زنان، علی‌رغم نقش‌های اجتماعی متنوع به ایفای وظیفه مهم خانه‌داری در محیط خانه اشتغال دارند. وظیفه خطیر خانه‌داری که فعالیت‌هایی همچون نگهداری و تربیت فرزندان، تهیه غذا، خرید وسایل و مواد لازم منزل، شستشوی ظروف و لباس‌ها، نظافت منزل و ... را در بر می‌گیرد، مؤید همیاری وسیع زنان خانه‌دار در اقتصاد خانواده و کشور است.

از آنجا که ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه کشور نیز، تهیه سند جامع توسعه زنان در امور معیشتی و تأمین اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. لذا توجه به کار خانه داری زنان به عنوان یک فعالیت اقتصادی، اجتماعی و لزوم فعالیت‌های پشتیبانی کننده و اتخاذ برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی برای زنان خانه‌دار توسط دستگاه‌های اجرایی در این راستا می‌تواند مقتضی و مناسب تلقی گردد. (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹). بدیهی است تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه در این خصوص مستلزم فراهم آمدن واقدامات زیر بنایی چندی است که از جمله آنها به رسمیت شناختن زنان خانه‌دار به عنوان قشر فعال اقتصادی است. کما اینکه در حال حاضر بنا بر شاخص‌ها و مقیاس‌های بین‌المللی، زنان خانه‌دار در شمارش‌های عمومی و سرشماری‌های نفوس و مسکن جزو بخش فعال اقتصادی محسوب نمی‌شوند. به یک معنی و به عبارت دیگر، بخش اعظم فعالیت‌هایی که زنان در زمینه نگهداری و تداوم منابع انسانی و خانه‌داری انجام می‌دهند که محل اجرای آن در منزل است به صورت نهفته، نامحسوس و پنهان بوده و در حسابرسی‌ها و آمارگیری‌های ملی به حساب نمی‌آید. بدیهی است که با عدم احتساب فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان در حسابرسی‌ها و آمارگیری‌های ملی، زمینه هر گونه اقدام لازم برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای آنان مسدود خواهد بود. از سوی دیگر باید توجه داشت که سهم فعالیت زنان از انجام کارهای خانه در اقتصاد خانواده و به طریق اولی در اقتصاد جامعه (و حتی اقتصاد جهانی) می‌بایست مورد توجه و شناخت علمی قرار گرفته و در خدمت نظام اقتصادی، اجتماعی و خرده نظام برنامه‌ریزی و توسعه‌ای کشور قرار گیرد.

نتایج بررسی بودجه خانوار بانک مرکزی ایران نشان دهنده این مطلب است که بخش مهمی از نیروی کار بدون مزد را زنان خانه‌دار (اعم از شاغل و غیرشاغل) شامل می‌شوند که این تعداد برابر ۲۵/۲ درصد کل جمعیت ایران است (بررسی بودجه خانوار، بانک مرکزی، ۱۳۸۵). خانواده‌ها، مواد خام (آرد، گوشت، سبزی، پارچه و ...) را از بازار خریداری کرده و آن را به مصرف می‌رسانند و به همین دلیل مصرف کننده به شمار

ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۹۱

می‌آیند. در حالی که در برابر فعالیت‌هایی که در خانوارها انجام می‌شود فعالیت‌هایی نیز در بازار وجود دارد که باید در جریان تولید ملی به حساب آید. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین کنش‌گران جامعه، یعنی خانوار و زن‌خانه‌دار در مجموعه مصرف‌کنندگان و نه تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. اهمیت و ضرورت محاسبه ارزش کارخانه‌داری زنان، فراهم‌آوری و زمینه‌سازی علمی و عملی جهت ملحوظ نمودن ارزش افزوده کارخانگی در محاسبات درآمد ملی و رشد تولید ناخالص ملی و تسهیل زیرساخت‌های حمایتی، تأمین اجتماعی و فرهنگی برای این قشر مؤثر اجتماعی است. با توجه به اهمیت ارزش‌گذاری بر کار زن‌خانه‌دار در پیشبرد برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هدف اصلی این مقاله محاسبه ارزش افزوده اقتصادی کارخانه‌داری زنان و بررسی برخی الزامات و تمهیدات حقوقی و ارائه راهبردهایی در این زمینه است.

پیشینه تجربی موضوع

اگر چه توجه به ارزش کارخانه‌داری موضوع جدیدی است، ولی در سال‌های اخیر تحقیقاتی به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج یک پژوهش با عنوان ارزش کارخانه‌داری زن در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد با افزایش سن زنان خانه‌دار، تخصص آنها در زمینه کارهای خانه‌داری افزایش می‌یابد در نتیجه برای کارهای منزل فرصت کمتری صرف می‌شود و ارزش افزوده کارهای خانه‌داری کاهش می‌یابد. همچنین ارزش افزوده کارخانه‌داری با متغیر تحصیلات رابطه معکوس و با متغیر تعداد اتاق‌ها، تعداد فرزندان و ساعات کار در خانه، رابطه مستقیم نشان داده است. در این معناست که ارزش افزوده کارخانه‌داری افزایش می‌یابد (جزئی، ۱۳۸۳).

تحقیقی دیگر تحت عنوان «جایگاه زنان در اقتصاد غیر رسمی» با استفاده از ۲۰۰۰ زن نمونه در شهر شیراز و ۴ شهرستان دیگر (یعنی کوار، خرامه، زرقان، سروستان) انجام شده است. هدف اساسی این تحقیق محاسبه سهم زنان در اقتصاد غیر رسمی است که از طریق محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان در منزل در هشت بعد: نگهداری از فرزندان زیر ۶ سال، ایاب و ذهاب فرزندان، تدریس به فرزندان، تهیه غذای روزانه، تمیز کردن منزل و لباس، خیاطی و تعمیر لباس، فعالیت‌های هنری و صنایع دستی و بالاخره تولید فرآورده‌های غذایی و لبنی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان خانه‌دار نشان می‌دهد که در مجموع کل ارزش ایجاد شده توسط زنان بیشتر

تحت تأثیر پایگاه اقتصادی، اجتماعی یعنی میزان سواد زن و شوهر و درآمد و تعداد افراد خانواده است. نوع شغل نیز از جمله عواملی که بر میزان ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان تأثیر می‌گذارد به‌طوری که زنان بازنشسته و خانه‌دار ارزش افزوده بیشتری را نسبت به زنان شاغل تولید می‌نمایند (ایمان و اردشیری، ۱۳۷۸). تحقیقی تحت عنوان «کار انعطاف پذیر، کارخانگی، قید و بندها، محدودیت‌های خانواده و کار روی کار خانگی زنان» توسط هایلاری سیلور و فرانکس گولداشنایدر در سال ۱۹۹۴ در ایالات متحده انجام گرفت. اطلاعات حاصله نشان دهنده اثر ویژگی‌های خانواده (درآمد خانواده، بعد خانوار، نگرش‌های نقش جنسی) و ویژگی‌های فردی زنان (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی) روی میزان کارخانگی زنان خانه‌دار است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که خانواده‌های بزرگتر، کارخانگی بیشتری را می‌طلبند. نتایج حاکی از اثر متغیرهای فردی است و نشان می‌دهد که زنان با تحصیلات بالا نسبت به زنان دارای تحصیلات کمتر یا بی‌سواد، کارخانگی کمتری را انجام می‌دهند. تأثیر سن نیز نشان می‌دهد که زنان مسن (به دلیل داشتن فرزندان کمک دهنده و بالا بودن سن‌شان) کار خانگی کمتری را در مقایسه با زنان جوان انجام می‌دهند. همچنین زنان ازدواج کرده و دارای فرزندان کوچک نسبت به زنان ازدواج نکرده یا تازه ازدواج کرده، کار خانگی بیشتری انجام می‌دهند (سیلور و گولداشنایدر، ۱۹۹۴، ۱۱۱۰).

مبانی نظری

نظریات جامعه‌شناختی

کار در یک دسته بندی کلی دارای «ارزش درونی» و «ارزش بیرونی» است. در این راستا ارزش فردی، اقتصادی و اجتماعی کار قابل استحصال است. کار زنان در خانه به‌عنوان یکی از مظاهر خاص انجام کار، هم از جانب فاعل انجام کار (زنان) و هم از جانب مفعول انجام کار (خانواده و جامعه) واجد ارزش، ارزیابی می‌شود. ارزش کار در بعد درونی یا فردی می‌تواند فی‌نفسه دارای «ارزش سازندگی» باشد. در ارتباط با این ارزش درونی کار است که فرد بیکار ممکن است احساس بیهودگی نماید. کار ممکن است برای فرد دارای ارزش به اصطلاح «تکمیلی» باشد. انجام و تکمیل هر کاری فی‌نفسه می‌تواند موجب رضایت خاطر شود. عکس آن یعنی عدم انجام و تکمیل کار ممکن است موجب احساس بی‌لیاقتی و احساس ناکامی در فرد شود. اگر کار به عنوان نوعی وظیفه اخلاقی و معنوی تلقی شود، در آن صورت کار حائز ارزش اخلاقی برای فرد (و حتی جامعه) خواهد شد. در این حالت انجام کار یا انجام وظیفه اخلاقی ولو اینکه برای فرد توأم با

ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۹۳

هزینه باشد، برای او نوعی سرخوشی و رضایت باطنی را فراهم می‌نماید. بدیهی است برای چنین فردی، عدم انجام کار و بیکاری تولید احساس ولنگاری و احساس بی‌مسئولیتی (احساس منفی) می‌کند. کار می‌تواند بالقوه دارای «ارزش شناختی» نیز باشد. ممکن است کار فی حد ذاته نوعی تجربه و شناخت برای شخص باشد، تجربه و شناختی که خود نوعی پاداش درونی تلقی می‌گردد. برای چنین فردی عدم انجام کار، کم‌کاری یا بیکاری می‌تواند منجر به بروز احساس نادانی و بی‌تجربگی شود. بدیهی است که عناصر مختلف ارزش درونی کار می‌تواند از فردی به فردی و از کاری به کار دیگر متفاوت و متغیر باشد. به لحاظ تحلیلی، ارزش‌های بیرونی (ابزاری) کار در مقایسه با ارزش‌های درونی کار، از شفافیت بیشتری برای فهم برخوردارند. به طور کلی، چهار عنصر ارزش بیرونی را به‌طور جداگانه می‌توان برای کار قائل شد:

یکی آنکه کار دارای ارزش مادی (اقتصادی) است و از طریق کار می‌توان به کسب درآمد و ثروت پرداخت. یکی دیگر از ارزش‌های ابزاری کار، ارزش اجتماعی آن است. فرد از طریق کار می‌تواند منزلت اجتماعی کسب نماید. کار همچنین دارای ارزش بیرونی فرهنگی است، چرا که از طریق کار می‌توان به طور بالقوه، معرفت و تجربه اندوخت (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷۰).

یکی از ابعاد اجتماعی کار، شرایط کار است. شرایط کار مشتمل بر چهار بعد: امکانات و تسهیلات ابزاری کار، زمان کار، تقسیم کار و امکانات و تسهیلات رفاهی کار است. امکانات و تسهیلات ابزاری، بعد اثباتی شرایط کار است. هر قدر امکانات و تسهیلات ابزاری شامل ابزار و اطلاعات بیشتر باشند، شرایط برای انجام کار مناسب‌تر است. زمان کار بعد فرهنگی شرایط کار است. یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به شرایط کار، زمان کار و آهنگ آن است. گر چه از یک نظر زمان انجام کار، سهمی مثبت در افزایش میزان کار و بازدهی آن دارد، در عین حال، قدرت علمی و فناورانه جامعه، امکان تبدیل و ذخیره سازی انواع انرژی را به جامعه می‌دهد. طول زمان انجام کار همچنین افزایش اوقات فراغت را فراهم می‌سازد و می‌تواند بازگو کننده تفاوت زمان انجام کار در شرایط مختلف جغرافیایی، شهری، روستایی و... باشد (همان، ۲۷۳). در این مقاله عوامل اجتماعی تبیین‌گر ارزش اقتصادی کار خانه‌داری زنان، با تمرکز بر «شرایط کار» انتخاب و به انجام رسیده است.

نظریه اقتصاد خانواده

در چارچوب نظریه اقتصادی خصوصاً اقتصاد سنتی، تلاش برای کمی کردن حجم کار خانگی و ارزش کمک آن به اقتصاد خانواده صورت گرفته است. دامنه‌ای از روش‌ها برای برآورد ارزش تولیدات خانگی به کار گرفته شده است. اینها شامل اسناد براساس مزد به درون داده‌های کار خانگی و اسناد قیمتی برای برون داده‌های آن می‌باشد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های داخلی در خانه براساس مزد و معادل این فعالیت‌ها در خارج از خانه بر اساس قیمت این فعالیت‌ها در بازار محاسبه می‌گردد. این نظریه بیان می‌کند هر چند مشکلاتی برای اندازه‌گیری وجود دارد، لیکن میزان کمک اقتصادی ایجاد شده توسط کار خانگی زنان غیر قابل انکار است. تحلیل‌های اقتصادی به حوزه خانواده از دیدگاه‌های مختلف و با موضوعات متفاوت به بررسی تولید خانگی می‌پردازد. حدوداً از بیست سال پیش، در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی به خانوار توجه خاص شده است. این تحول تا حدودی مدیون «بکر» است. وی در کتابش به‌جای آنکه خانوار را از تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی کنار گذارد، آن را محور تجزیه و تحلیل خود قرار داد و رفتار اعضای آن را با مدل‌هایی در زمینه «بهینه‌سازی با توجه به محدودیت‌ها» تشریح نمود (بکر، ۱۹۶۵).

طبق این نظر، «بکر» استدلال می‌کند که نه تنها محصول نهایی تولیدی زنان در خانه (با توجه به زمان صرف شده برای آن) بیش از دستمزد بازاری آن‌هاست، بلکه در بیشتر دوران تولید خود، بیش از دستمزد بازاری مردان است (نوربخش، ۱۳۷۶: ۲۸). «بکر» از جمله اقتصاددانانی می‌باشد که نظریات اقتصادی به کارگیری «زمان» روی کار خانگی را مد نظر قرار داده و زمان را به‌عنوان یک منبع کمیاب تلقی می‌کند که میان اعضای خانوار به نسبت کار تولیدی شان توزیع می‌گردد. در مقابل نظریات فمینیستی کاربرد زمان، زمان صرف شده در کار خانگی را به عنوان کارکرد روابط قدرت بین زن و مرد در خانه و در محل کار می‌دانند. برخی از اقتصاددانان متوجه شده‌اند که طبق سیستم حسابداری ملی توصیه شده از سوی سازمان ملل متحد، باید ارزش افزوده تولید کالا یا خدمات توسط تولید کنندگان که توسط خود ایشان مصرف می‌شود (و به بازار زیاد عرضه نمی‌شود) برآورد گردد. همچنین معتقدند یکی از اقلامی که باید برآورد گردد تولید کالا و خدمات توسط زنان خانه‌دار می‌باشد که برای مصرف شخصی یا برای عرضه به بازار می‌باشد.

ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۹۵

معیارهای تشخیص فعالیت‌های خانگی توسط مارگارت رید^۱ (۱۹۸۹) ارائه شده است عبارتند از: فعالیت‌های بدون دستمزدی است که توسط خانوار و برای اعضای خانوار انجام می‌شود که مشابه آن می‌توان در بازار ابتیاع نمود. در صورتی که شرایطی نظیر درآمد، وجود بازار، تمایل افراد، اجازه‌ی فروش آن را بدهد. (وظایفی مثل خرید کردن، تمیز کردن، تهیه غذا، بردن بچه به مدرسه، مراقبت از کودکان خردسال) را شامل می‌شود (همان، ۳۱). مرکز تحقیقات دانشگاه میشیگان بر اساس نظر مارگارت رید، فعالیت‌های خانوار (خصوصاً زن خانه‌دار) را به ۹ گروه شامل: آماده‌سازی غذا، بچه‌داری و مراقبت از فرزندان، نظافت منزل، خرید وسایل ضروری منزل، شستشوی ظروف غذایی، آموزش و کمک در امر تحصیل فرزندان، شستن لباس‌های اعضای خانواده، مراقبت‌های درمانی، صنایع دستی خانگی و فعالیت‌های هنری تقسیم کرده است. تحلیل مقایسه‌ای بین کشورها، این اصل را روشن می‌سازد که معیارهای مربوط به بازار نیز برای محاسبه‌ی کار خانگی زنان قابل اجرا و مناسب هستند. هر چند معیار ارائه شده توسط رید معیار مناسبی است، لیکن پاسخ این سؤال باقی می‌ماند که کدام یک از تولیدات و فعالیت‌های خانگی را می‌توان از بازار ابتیاع نمود؟

فرضیات تحقیق

پنج فرضیه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است که عبارت بودند از:

فرضیات اصلی

- به‌نظر می‌رسد بین «تحصیلات زن» و ارزش افزوده کار خانگی وی رابطه معنی دار معکوس وجود دارد.
- به‌نظر می‌رسد بین «سن زن» و ارزش افزوده کار خانگی وی رابطه معنی دار معکوس وجود دارد.
- به‌نظر می‌رسد بین «تعداد فرزندان» خانواده و ارزش افزوده کار خانگی وی رابطه معنی دار مستقیم وجود دارد.

1. m.ride

فرضیات فرعی

- به نظر می‌رسد بین «سن شوهر» و میزان ارزش افزوده کار خانگی وی رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد.

- احتمالاً «مدت ازدواج» با میزان ارزش افزوده زن در خانه رابطه مستقیم دارد.

روش شناسی تحقیق

روش مورد نظر در این پژوهش، روش پیمایش^۱ می‌باشد. ابزار مورد استفاده در این پیمایش پرسشنامه بوده و پس از تکمیل پرسشنامه نهایی از ۲۰۰۰ زن خانه‌دار در شهر تهران، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. برای آماره‌های استنباطی با توجه به سطوح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، از تکنیک‌های آماری ضریب همبستگی «پیرسون» و «رگرسیون چند متغیره» استفاده شده است. با توجه به اینکه اطلاعات مورد نیاز توسط مراکزی که اطلاعات و آمار خانوار را ارائه می‌کنند جمع‌آوری نمی‌شود، باید از روش میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرد. بدین منظور، «پرسشنامه کار خانه‌داری» طراحی و به کمک آن اطلاعات لازم جمع‌آوری شد.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

از آنجا که فهرست دقیقی برای زنان خانه‌دار در ۲۲ منطقه شهر تهران وجود ندارد، می‌توان جامعه تحقیق را به عنوان جامعه نامحدود در نظر گرفت. در مواقعی که فهرست دقیقی برای اعضای جامعه آماری مطرح نمی‌شود، باید از طرح‌های نمونه‌گیری تصادفی با شیوه جامعه نامحدود استفاده شود. در این مواقع، روش‌های نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به عنوان مناسب‌ترین طرح‌های نمونه‌برداری لحاظ می‌شود (ملکمیان، ۱۳۷۲). در این تحقیق نیز به جهت آن که فهرست اعضای جامعه و نیز حدود جامعه آماری در شهر تهران چندان واضح نیست و نمی‌توان رقم دقیقی را به عنوان تعداد جامعه آماری لحاظ کرد، از شیوه نمونه‌برداری چند مرحله‌ای تصادفی استفاده گردید. با توجه به واریانس ابزار اندازه‌گیری و سطح آلفای ۵٪، مناسب‌ترین طرح نمونه‌گیری برای جامعه نامحدود به شرح زیر مطرح می‌شود:

$$n^2 = \frac{z\alpha s^2}{d^2}$$

1. Survey method

ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۹۷

لذا با توجه به سطح اطمینان (۱/۹۶) و واریانس (۴۷/۹۲) و با توجه به اینکه میزان d برابر ۰/۰۵ می‌باشد، خواهیم داشت:

$$n = \frac{\left(\frac{1}{0.05}\right) \left(\frac{47}{0.96}\right)}{0.05} = 1878$$

با مشخص شدن تعداد حجم نمونه، از هر یک از مناطق بیست و دوگانه شهر با توجه به جمعیت هر منطقه انتخاب شد. در نهایت، حدود ۵ درصد نیز اضافه بر تعداد پرسشنامه‌ها به جهت جبران افت آزمودنی‌ها اضافه گردید. لذا در کل ۲۰۰۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند.

روش شناسی محاسبه ارزش افزوده و نظریات پشتیبان

در این پژوهش از دو رهیافت «ستانده» و «نهاد» به دلیل سازگاری با نظام حساب‌های ملی به عنوان رهیافت‌های اصلی برآورد ارزش تولید خانگی استفاده شده است. سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های درگیر در موضوع بررسی وضعیت اقتصادی، رهیافت ستانده و نهاد را به رسمیت می‌شناسند. با این حال هر دو رهیافت‌ها کاستی‌هایی نیز دارد که بر اساس شرایط هر کشور می‌توان از این رهیافت استفاده کرد. روش نهایی برای محاسبه ارزش افزوده کارخانه‌داری در این مقاله عبارت از محاسبه «زمان» لازم برای انجام هر یک از فعالیت‌های مذکور و محاسبه «قیمت هر ساعت کار» هر یک از فعالیت‌ها است، لذا می‌توان ارزش افزوده هر یک از خدماتی را که توسط زنان خانه‌دار در خانه انجام می‌شود، محاسبه کرد و با جمع کل ارزش افزوده‌ها، ارزش افزوده کل را به دست آورد (جزئی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

نظریه و رهیافت نهاد

آنچه امروزه به عنوان «رهیافت نهاد» برای ارزش‌گذاری کار و تولید خانه‌داری مورد استفاده قرار می‌گیرد، نخستین بار در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ معرفی شده است. این رهیافت برای ارزش‌گذاری کالاها و خدماتی است که قیمت آنها از نظر اقتصادی معنی‌دار نیستند. از جمله این موارد می‌توان به مدیریت نهادهای عمومی، دفاع، آموزش و بهداشت و غیره اشاره کرد. با توجه به استفاده نظام حساب‌های ملی از این رهیافت، سازمان ملل و کارشناسان اقتصادی، پژوهش‌های خود را برای استفاده از رهیافت نهاد برای ارزش‌گذاری تولید خانه‌داری آغاز و آن را به صورت کتاب دوجلدی با نام «حسابداری خانوار» منتشر کردند.

بدین ترتیب رهیافت نهاده، رهیافت اصلی ارزش گذاری تولید خانه‌داری عنوان شد و استقبال خوبی نیز از آن به عمل آمد. بر اساس آنچه امروز در ادبیات تولید خانگی مصطلح است، رهیافت نهاده بر این نکته تأکید دارد که زنان خانه‌دار و دیگر اعضای خانوار در فرآیند تولید خانه‌داری، زمانی را صرف فعالیت‌های تولیدی می‌کنند، اما در قبال آن دستمزد دریافت نمی‌کنند. این در حالی است که آنان می‌توانستند این زمان را به هر ترتیب ممکن در بازار کار سپری و دستمزد دریافت کنند. یعنی زمانی که صرف کار خانه‌داری شده، دارای ارزش بالقوه است که پایه ارزش گذاری کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار و به طور کلی تولید خانگی در رهیافت نهاده می‌شود. بنابراین می‌توان با انتساب دستمزد به کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار و دیگر اعضای آن به ارزش کار آنان پی برد و دیگر موارد به کار رفته در تولید خانگی را نیز محاسبه کرد تا در نهایت به ارزش تولیدات خانه‌داری دست یافت (قربانی، ۱۳۸۷).

در حقیقت معیار «شخص ثالث» «بررسی‌های گذران وقت»، «دستمزدها» و برآورد «ارزش دیگر نهاده‌ها» چهار مؤلفه اصلی رهیافت نهاده هستند که شناخت رهیافت نهاده بدون بررسی و توجه به آنها غیرممکن است. بنابراین برای درک این رهیافت، در ادامه به بررسی مؤلفه‌های اصلی آن می‌پردازیم:

این شاخص توسط مارگارت رید در سال ۱۹۳۴ معرفی شد و بر اساس آن هر فعالیتی که بتوان آن را به دیگری واگذار کرد، تولید به حساب می‌آید.

در واقع، نظام حساب‌های ملی برپایه «معیار شخص ثالث»، فعالیت‌های تولید خانه‌داری را به شش دسته اصلی تقسیم بندی کرده است که عبارتند از: «تامین غذا»، «تامین و مراقبت از لباس»، «مراقبت از کودکان و سالمندان»، «تامین مسکن و خدمات مربوط به آن»، «کارهای داوطلبانه»، «حمل و نقل». این تقسیم بندی موجب تسهیل در استفاده از آمارهای خام داده‌های گذران وقت و دسته بندی نظام‌مند آنها برای ارزیابی ارزش کار و تولید خانه‌داری شده است.

دومین مؤلفه رهیافت نهاده «بررسی داده‌های گذران وقت» است براساس داده‌های گذران وقت می‌توان به کار سپری شده در فعالیت‌های تولیدی خانه‌داری بر اساس «معیار شخص ثالث» از هم تفکیک می‌شوند، دست یافت.

در حقیقت «بررسی‌های گذران وقت» اهدافی را دنبال می‌کند که در میان آنها یافتن کار بدون دستمزد، به ویژه در مورد زنان اهمیت زیادی دارد. به دست آوردن اطلاعات درباره فعالیت‌های بخش «غیررسمی» که از دید نظام حساب‌های ملی پنهان می‌ماند، نیز در زمره اهداف مهم این بررسی به شمار می‌رود.

نظریه و رهیافت ستانده

برخی از اقتصاد دانان، برای نشان دادن این حقیقت که نقش اقتصادی تولید خانگی، برابر با ارزش ستانده خانوار است و نه ارزش زمان سپری شده در آن (راهبرد رهیافت نهاده)، بر ارزش گذاری ستانده خانگی با ضرب مقادیر فیزیکی ستانده‌ی خانگی در قیمت معادل بازاری تأکید می‌کنند که این ستانده‌ها رکن اصلی رهیافت ستانده هستند.

با وجود مزیت‌های نظری رهیافت ستانده، نسبت به رهیافت نهاده، نبود اطلاعات دقیق در مورد ستانده‌ی خانگی موجب محدودیت استفاده از این رهیافت شده است؛ چرا که اطلاعات مربوط به مقادیر فیزیکی این ستانده‌ها و نیز نوع ستانده‌ای که در خانه تولید می‌شود به آسانی در اختیار قرار نمی‌گیرند و گردآوری این آمار بسیار وقت گیر و پرهزینه است.

برای برآورد ارزش تولید خانگی از راه رهیافت ستانده، و محاسبه اقلامی که در فرمول رهیافت ستانده وجود دارند، باید مؤلفه‌های رهیافت ستانده را شناسایی کرد. بر این اساس، نخستین گام برای رسیدن به ارزش گذاری تولید خانگی از راه رهیافت ستانده، شناسایی ستانده و نهاده در تولید خانگی است. گام دوم، قیمت گذاری هر یک از اجزا و یافتن مناسب‌ترین قیمت در بازار، گام سوم به ترکیب ارزش انتسابی ستانده‌ها و نهاده‌ها براساس فرمول برای رسیدن به ارزش تولید خانگی و تبدیل آن به اعداد سازگار با نظام حساب‌های ملی است.

گام اول، برای شناسایی ستانده تولید خانگی از «معیار شخص ثالث» استفاده می‌شود. در واقع این معیار هم در شناسایی ستانده‌ها و هم در شناسایی نهاده‌های این رهیافت کارایی و کاربرد دارد. در بخش ستانده‌ها بر مبنای «معیار شخص ثالث» ستانده‌های خانگی به شش دسته: مسکن؛ غذا؛ لباس؛ مراقبت؛ حمل و نقل و کار داوطلبانه تقسیم می‌شوند. از سوی دیگر در بخش نهاده‌ها نیز، براساس «معیار شخص ثالث»، کارهای تولیدی (مانند رهیافت نهاده)، از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

گام دوم، قیمت گذاری ستانده خانگی است، این مهم براساس قیمت‌های معادل شش ستانده خانگی در بازار انجام می‌گیرد. یکی از روش‌های یافتن قیمت مناسب برای تولیدات خانگی این است که از فرآیند موجود در حساب‌های ملی در قیمت‌گذاری کالاهای عمومی که قیمت بازاری ندارند، استفاده شود. برای ارزش گذاری این کالاها و خدمات از هزینه نهاده‌های به کار رفته استفاده می‌شود. اما مسئله این است که

برخلاف بخش عمومی در بخش خانوار، دستمزد بازاری وجود ندارد. در این باره گلداسمیت^۱ (۱۹۹۶) اظهار داشت که از قیمت‌های بازاری برای ارزش گذاری هر کالا استفاده شود. مشکل این روش آن است که یافتن نزدیک ترین قیمت بازاری به تولیدات خانگی کار چندان آسانی نیست. برای مثال، قیمت غذای یک رستوران بین راهی با قیمت غذا در یک هتل پنج ستاره به کلی متفاوت است. از سوی دیگر عناصر استفاده شده برای تولید وعده غذایی صبحانه میان خانوارها و جوامع مختلف نیز تفاوت‌های زیادی دارند. در این میان تأکید همه پژوهش‌هایی که از رهیافت ستانده استفاده کرده‌اند بدست آوردن قیمتی است که نشان دهنده‌ی نزدیک‌ترین ارزش به تولید خانگی باشد، برای به دست آوردن این قیمت‌ها باید پژوهش‌های جدی و جامع صورت گیرد که به شرایط اقتصادی-اجتماعی هر کشور بستگی دارد. به همین دلیل در نظریه‌های موجود راهکار واحدی برای آن مشخص نشده است.

گام سوم، شناسایی و ارزش گذاری نهاده‌ها و نیز ترکیب آن‌ها با ستانده‌هاست. در حقیقت براساس رهیافت ستانده، برای محاسبه ارزش تولید خانگی باید اطلاعاتی را نیز درباره نهاده‌های تولید خانگی، یعنی کالای واسطه‌ای، کالای سرمایه‌ای خانگی یا همان سرمایه خانگی، خدمات مرتبط و کار بدست آوریم. البته باید به این نکته توجه کرد که هر یک از نهاده‌ها در فعالیت‌های خانگی دارای تفاوت‌های عمده‌ای هستند و باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرند، اما نباید از این نکته غافل شد که ماهیت آن‌ها در تولید خانگی ثابت است. در ادامه به بررسی این نهاده‌ها می‌پردازیم. بر مبنای نظام حساب‌های ملی، در رهیافت ستانده، چهار نهاده اصلی وجود دارد که عبارتند از: کالاهای واسطه‌ای؛ کالای سرمایه‌ای؛ خدمات مرتبط با تولید خانگی و کار.

کالای واسطه‌ای به کالاهای و خدماتی مانند مواد خام و مسکن اجاره ای یا شخصی گفته شده که در فرآیند تولید مصرف می‌شود و یا تغییر شکل می‌یابد. کالای سرمایه‌ای یا سرمایه خانگی^۲ به کالاهای بادوامی مانند ماشین لباسشویی و ظرفشویی و مسکن شخصی گفته می‌شود که در فرآیند تولید خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مورد چگونگی مصرف سرمایه خانگی و سهم آن در تولید خانگی مباحث مختلفی مطرح شده است. به عنوان مثال اسلاکسن^۳ (۱۹۹۴) معتقد است ارزش همه کالاهای سرمایه‌ای خانگی در هنگام خرید اندازه گیری شده و تا زمانی که مستهلک می‌شوند درآمد حاصل از استفاده آن‌ها قابل تشخیص خواهد

1. Goldschmidt

2. Household capital

3. Aslaksen

ارزش افزوده کار خانهداری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۱

بود. آیرنمونگر نیز برای اندازه گیری سرمایه خانگی از جداول داده - ستانده استفاده کرده است تا به وسیله آن چگونگی اختصاص سرمایه خانگی، کار و هزینه کالاهای واسطه ای به فعالیت های خانگی را نشان دهد. بدین وسیله او برای محاسبه کار خانگی، بنیادی بر مبنای کار انجام شده فراهم ساخته است.

کار: فرآیند ارزش گذاری نهاد کار در رهیافت ستانده همانند رهیافت نهاد است. به عبارت دیگر نهاد کار در تولید خانگی با استفاده از مدت زمانی که به عنوان نهاد مورد استفاده قرار می گیرد، اندازه گیری شده و بر اساس «روش های هزینه فرصت» یا «هزینه جانشینی» ارزش گذاری می شود.

خدمات مرتبط با فعالیت های خانگی: این خدمات نقش مکمل دیگر نهاده ها را دارند و در هر فعالیت با استفاده از این خدمات، فعالیت ها انجام می شوند، که خرید مورد نیاز در هر ستانده بارزترین نمونه این خدمات است و کمابیش در همه ستانده ها از آن استفاده می شود.

همان طور که در بالا اشاره شد، در رهیافت ستانده، شش ستانده اصلی از یکدیگر تفکیک می شوند و بر اساس هر ستانده، نهاده های آن نیز شناسایی و مورد ارزیابی قرار می گیرند. به عبارت دیگر ستانده و نهاد هر فعالیت با ستانده و نهاد فعالیت دیگر یکسان نیست و باید هر کدام را با توجه به نوع فعالیت مورد بررسی قرار داد.

لذا در یک جمع بندی کلی باید اذعان نمود که به منظور محاسبه ارزش افزوده کار خانهداری مجموعه ساعات صرف شده برای فعالیت های خانهداری را محاسبه کرده ایم. مثلاً برای محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده بابت تهیه غذا در منزل توسط زنان، مجموعه ساعات صرف شده برای پخت و پز و آشپزی به صورت سؤال در پرسشنامه پرسیده شده است. با محاسبه زمان لازم برای انجام آشپزی و پخت و پز و محاسبه قیمت هر ساعت کار می توان ارزش افزوده این خدمت را محاسبه نمود. با محاسبه زمان لازم برای انجام هر گروه از کارهای مذکور و محاسبه قیمت هر ساعت کار در هر یک از گروه ها می توان ارزش افزوده هر یک از خدمات مذکور را که توسط زنان خانه دار انجام می شود محاسبه کرد و با جمع کل ارزش افزوده ها، ارزش افزوده کل را به دست آورد.

به کمک پرسشنامه مذکور و محاسبه هزینه هر ساعت کار در هر یک از گروه های کاری که در جدول یک مشخص شده است و به کمک سؤال و تحقیق از چند منبع ارائه این نوع خدمات، می توان ارزش افزوده کار زنان خانه دار را بر حسب ریال محاسبه کرد بنابراین، مدل طراحی شده، ارزش افزوده کار خانهداری هر

خانوار را در هر هفته محاسبه می‌کند که به کمک آن، می‌توان ارزش افزوده ماهانه یا سالانه هر خانوار را محاسبه کرد.

جدول شماره (۱): ارزش هر ساعت کار به تفکیک نوع فعالیت

ردیف	شرح	مبلغ بر حسب (ریال)
۱	پختن غذا	۸۷۸۴۰
۲	شستن ظروف	۸۷۸۴۰
۳	نظافت منزل	۸۷۸۴۰
۴	شستشوی لباس و اطو کشی	۸۷۸۴۰
۵	مراقبت از کودکان	۸۷۸۴۰
۶	مدیریت تحصیلی فرزندان ابتدایی (حق الزحمه معلم خصوصی)	۳۰۰۰۰
۷	مدیریت تحصیلی فرزندان راهنمایی (حق الزحمه معلم خصوصی)	۵۰۰۰۰
۸	مدیریت تحصیلی فرزندان دبیرستانی (حق الزحمه معلم خصوصی)	۸۰۰۰۰

مآخذ: بخشنامه ابلاغی وزیر کار و امور اجتماعی در مورد تعیین حداقل مزد سال ۱۳۸۸ و بنگاه‌های ارائه دهنده این نوع خدمات در تهران.

نتایج تحقیق

در این قسمت، ابتدا به توصیف آماری داده‌های به‌دست آمده پرداخته شده است. سپس تحلیل‌های دو متغیره مطرح شده و در نهایت تحلیل‌های چنده از متغیرهای تحقیق ارائه شده است. ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد مورد مطالعه در این قسمت مهم‌ترین ویژگی‌های کلی افراد مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول شماره (۲): توزیع سنی پاسخ‌گویان (زن)

درصد	فراوانی	فراوانی / توزیع سنی
۲۵/۹	۵۰۴	۱۸-۳۰
۲۷/۲	۵۴۴	۳۱-۴۰
۲۴/۷	۴۹۵	۴۱-۵۰
۱۴/۲	۲۸۵	۵۱-۶۰
۷/۵	۱۵۱	۶۱ و بیشتر
۹۸/۸	۱۹۷۸	کل

ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۳

از کل افراد مورد مطالعه، ۲۵/۹ درصد در گروه سنی ۳۰-۱۸ سال، ۲۷/۲ درصد در گروه سنی ۴۰-۳۱، ۲۴/۷ درصد در گروه سنی ۵۰-۴۱، ۱۴/۲ درصد در گروه سنی ۶۰-۵۱ سال و ۷/۵ درصد در گروه سنی ۶۱ و بیشتر قرار دارد. بیشترین توزیع سنی مربوط به گروه سنی ۴۰-۳۱ سال می‌باشد.

جدول شماره (۳): توزیع سطوح تحصیلات پاسخ‌گویان (زن)

درصد	فراوانی	فراوانی سطوح تحصیلات
۸/۳	۱۶۷	بی‌سواد
۱۲/۸	۲۵۶	ابتدایی
۱۹/۴	۳۸۹	راهنمایی
۲/۶	۵۲	دبیرستان
۳۷/۱	۷۴۲	دیپلم
۵/۳	۱۰۶	فوق دیپلم
۱۲/۴	۲۴۸	لیسانس
۱/۵	۳۰	فوق لیسانس و بالاتر
۹۹/۴	۱۹۹۰	کل

از کل پاسخ‌گویان مورد مطالعه، ۸/۳ درصد بی‌سواد، ۱۲/۸ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۹/۴ درصد تحصیلات راهنمایی، ۲/۶ درصد تحصیلات دبیرستان، ۳۷/۱ درصد تحصیلات در سطح دیپلم، ۵/۳ درصد تحصیلات در سطح فوق دیپلم، ۱۲/۴ درصد تحصیلات در سطح لیسانس و ۱/۵ درصد تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر دارند. بیشترین درصد مربوط به تحصیلات در سطح دیپلم می‌باشد.

توزیع میانگین ارزش افزوده کار خانه‌داری

میزان ارزش افزوده برآورده شده برای پاسخ‌گویان (زنان خانه‌دار) برابر با ۱۶۰۰۰۰۰ ریال در هفته است. این میزان در ماه با ۶۴۰۰۰۰۰ ریال برابر می‌شود.

آزمون فرضیات بر اساس آماره رگرسیون چند متغیری

مطابق با فهرست فرضیات تحقیق، با استفاده از رگرسیون چند متغیره به پیش بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل پرداخته شده است. به عبارت دقیق‌تر رگرسیون چند متغیری،

تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌دهد. مدل خطی رگرسیون چند متغیره را در معادله زیر می‌توان نشان داد:

$$Y = B_0 X_0 I + B_1 X_{1i} + B_2 X_{2i} + \Sigma i$$

در این مرحله، متغیرهای مستقل در مدلی جداگانه با روش گام به گام^۱ به عنوان متغیرهای پیش بینی کننده لحاظ شده و تأثیر آنها بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد و آن دسته از متغیرهایی که به طور خالص نقش معناداری در واریانس متغیر وابسته دارند، مشخص می‌گردند. معادله نهایی رگرسیون عبارت است از:

$$Y = 344973/4 + 13460/8 (\text{تعداد اعضاء خانوار}) - 21447/9 (\text{سن زن}) - 8142/9$$

باتوجه به مباحث فوق، متغیرهای مستقل تعیین شده، در تبیین متغیر وابسته اثر معناداری داشته و مبین تغییرات ارزش افزوده کار خانهداری بوده‌اند. در این بین، متغیر «تعداد اعضای خانوار» بیشترین سهم را در تبیین تغییرات ارزش افزوده کار خانهداری داشته است، زیرا افزایش تعداد اعضای خانوار موجب افزایش تعداد اتاق‌های خانه، افزایش نوع فعالیت‌ها در خانه و افزایش ساعات اختصاص یافته به کارهای خانه می‌شود و در نهایت موجب افزایش میزان کار در خانه و بالا رفتن ارزش افزوده کار خانهداری خواهد شد.

طبق مدل نهایی، ضریب β برای متغیرهای تعداد اعضای خانوار برابر $0/16$ ، سن زن برابر $-0/16$ و تحصیلات زن برابر $0/09$ می‌باشد که نشان دهنده‌ی سهم و وزن هر یک از متغیرها در تبیین متغیر وابسته است. ضریب همبستگی چندگانه R برابر $0/21$ و بیانگر رابطه مثبت و قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد. ضریب تعیین R^2 برابر $0/04$ می‌باشد که نشان می‌دهد $0/04$ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد. کمیت F برابر $32/6$ و در سطح معناداری $0/000$ می‌باشد. به بیان آماری، معناداری F بیانگر آن است که متغیرهای مستقل ترکیب خطی، مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند.

آماره دوربین و واتسون نشان دهنده‌ی فرض عدم همبستگی بین خطاهای چند متغیر می‌باشد. مقدار آماره $D-W$ در فاصله $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد، در این معادله میزان آماره دوربین و واتسون برابر $1/6$ می‌باشد که نشان دهنده‌ی استقلال خطاهاست.

1. stepwise

ارزش افزوده کار خانهداری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۵

نتایج حاصل از این تحقیق نیز مؤید تأثیر (معکوس) متغیر تحصیلات، متغیر سن و متغیر تعداد اعضای خانوار، مطابق با نتایج حاصله از تحقیقات پیشین است و نتایج حاصل از تحقیقات جزئی، ایمان و اردشیری، گلداشمیت و میجلر را تأیید می‌کند.

معادله رگرسیون نهایی نیز نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل تنها سه متغیر «سن زن»، «تحصیلات زن» و «تعداد اعضای خانواده» اثر معناداری در تبیین متغیر ارزش افزوده کار خانهداری دارند و در معادله نهایی باقی ماندند و لذا بقیه متغیرهای مستقل از معادله حذف گردیدند.

نتیجه گیری

کار خانهداری زنان از ابعاد مختلف می‌تواند محل توجه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی اجتماعی قرار گیرد. از منظر اقتصادی و با توجه به منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (ومجلس شورای اسلامی) می‌توان کار خانهداری زنان را به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

۱- کار خانهداری زنان به سبب تولید ارزش افزوده اقتصادی، یک فعالیت اقتصادی محسوب شده و زنان، فعال اقتصادی شناخته شوند و از گنجانیدن در رده «بیکار» در محاسبات ملی (بین‌المللی) خارج شوند و بیکار محسوب نگردند.

۲- زنان با انجام فعالیت‌های خانهداری و بالتبع انجام کار و فعالیت اقتصادی به سبب ایجاد «ارزش افزوده اقتصادی» و به جهت سهم و نقش در اقتصاد ملی و تولید ناخالص داخلی (فی‌المثل بررسی انجام شده در مورد زنان خانه‌دار تهرانی در سال ۱۳۸۹، به میزان ۶۴۰ هزار تومان در ماه برآورد شده است)، محتاج حمایت‌های لازم اقتصادی و اجتماعی هستند. تخصیص برابر نهاد اقتصادی با مقدار ارزش افزوده تولیدی زنان به شکل مقتضی، می‌تواند نیاز اقتصادی آنان را به اشتغال خارج از منزل برطرف نموده و از اشتغال کاذب آنان جلوگیری به‌عمل آورد، به‌علاوه زمینه‌ساز حضور بیشتر و مؤثرتر زنان در تربیت فرزندان شده و سکونت و آرامش روحی آنان را فراهم سازد.

۳- تأمین مقتضی اقتصادی زنان خانهداری که ارزش افزوده اقتصادی تولید می‌نمایند، نقش پیشگیری کننده از ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی این قشر خواهد داشت. فوت همسر یا طلاق و جدائی از همسر، زمینه‌ساز تهیدستی اقتصادی و عدم پشتوانه مالی این قشر از زنان را فراهم می‌نماید که به نوبه خود

زمینه‌ساز ناهنجاری‌ها و بعضاً مفاسد اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. در این مورد لازم به یادآوری است که تبعات اجتماعی و فرهنگی سرپرستی خانوار برای زنان و تأمین هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سرپرست خانوار شدن، با این راهبرد قابل حل خواهد بود.

۴- «نظام تأمین اجتماعی» و «نظام تأمین رفاهی» زنان خانه‌دار متناسب با میزان ارزش افزوده اقتصادی تولیدی آنان، به‌عنوان یکی از راه‌های مقتضی تأمین اقتصادی و اجتماعی زنان خانه‌دار است.

۵- از آنجا که در ایران، حساب‌های ملی به روش نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ تنظیم می‌شود، باید به حساب‌های اقماری بیش از پیش توجه و نسبت به تنظیم آنها اقدام نمود. در این میان، مدتی است که مرکز آمار ایران و بانک مرکزی به تنظیم «حساب اقماری گردشگری و محیط زیست» می‌پردازند، اما با وجود اهمیت فراوان، «حساب اقماری تولید خانگی» همچنان به دلیل کمبود داده‌ها مغفول واقع شده و لذا نیازمند توجه مضاعف است. قابل توجه است که در ایران بیش از ۲۵ درصد جمعیت «کل» و بیش از ۵۰ درصد جمعیت «زنان خانه» هستند. زنان خانه‌دار تولیدکننده به حساب می‌آیند و همانند همسران و دیگر اعضای خانواده خویش، بخشی از بار خانواده را به دوش می‌کشند. بسیاری از آنان با وجود تحصیلات مناسب به دلایل فرهنگی و اجتماعی و گاهی اقتصادی، کار در خانه را به کار در بازار ترجیح داده‌اند. در کنار این گروه از زنان، زنان شاغلی نیز هستند که هم در بازار و هم در منزل به کار مشغولند. اما بخشی از کار زنان شاغل و همه کار زنان خانه‌دار از دید اقتصاددانان پنهان مانده است.

۶- لازم است کار خانه‌داری زنان به عنوان یک فعالیت اقتصادی - اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ملحوظ گردد و ملزومات و استلزامات فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی آن در برنامه‌های مختلف مطمح نظر قرار گیرد.

۷- محاسبه ارزش افزوده کار خانه‌داری، امری سهل و ممتنع است. تفکیک امور و فعالیت‌های متنوع خانه از هم غیر ممکن بوده و از آن رو که بسیاری از این فعالیت‌ها، زمان جداگانه‌ای را نمی‌طلبند و ضمن عجزین شدن با فعالیت‌های دیگر خانه بعضاً با آنها هم‌زمان نیز هست، در قالب سؤالات یک تحقیق واحد، قابل استخراج نمی‌باشد. در نتیجه اطلاعات و ارقام به‌دست آمده از یک پژوهش کاملاً قابل تعمیم نبوده و همیشه جای خالی فعالیت‌هایی که قابل سنجش و پرسش نبوده، به سهم خود باقی خواهند بود. بنابراین بهتر است برای کامل بودن پژوهش نکات تکمیلی و دلخواهانه پاسخ‌گو را نیز در قالب سؤالات باز مورد پرسش و توجه قرار داد.

ارزش افزوده کار خانهداری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۷

۸- ارزش گذاری اجتماعی و فرهنگی به کار خانگی زنان از لحاظ روحی و روانی تأثیر مثبت بر آرامش و قوت قلب و افزایش کیفیت ارزش افزوده کار خانگی داشته و زمینه‌های افزایش بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف جامعه را به نوبه خود فراهم می‌کند. لذا، پیش از محاسبه ارزش افزوده کار خانگی، فرهنگ‌سازی در این زمینه لازم است تا نگرش افراد جامعه و مسئولین در ارتباط با ارزش فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی کار خانهداری زنان در افزایش سرانه ملی با واقعیت منطبق گردد.

۹- به عنوان یک سیاست خرد، بهتر است پژوهش‌هایی در سطح ملی برای بررسی ارزش افزوده کار خانگی در نقاط مختلف شهری، روستایی و عشایری انجام پذیرد تا سهم عامل اقلیم و جغرافیا و شرایط محیطی در تغییر ارزش افزوده کار خانهداری زنان روستایی و عشایری و بالتبع سهم آن در افزایش درآمد سرانه ملی آشکار گردد.

۱۰- به عنوان یک سیاست خرد، لازم می‌نماید مقایسه‌ای میان زنان شاغل و خانه‌دار از حیث کمیت و کیفیت ارزش افزوده کار خانهداری آنان انجام پذیرد تا تأثیر اشتغال زنان بر میزان ارزش افزوده کار خانهداری سنجیده شود.

منابع

- ایمان، محمدتقی و مهیار اردشیری (۱۳۷۸) جایگاه زنان در اقتصاد غیر رسمی، شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- باقری، شهلا (۱۳۸۲) اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته)، تهران: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- بانک مرکزی (۱۳۸۵) بررسی بودجه خانوار.
- برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور (۱۳۸۹) معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- جزنی، نسرین (۱۳۸۳) کار خانگی، تهران، نشر سوره مهر و مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری.
- چنگیزی، مهرانگیز (۱۳۷۰) احتساب سهم زنان در تولید کشور، دفتر تحقیق و توسعه مرکز آمار ایران، تهران.
- قربانی، محمد (۱۳۸۷) بررسی نظریه‌ها، روش‌ها و تجربه‌های تنظیم و تعدیل حساب‌های ملی نسبت به ارزش کار زنان خانه‌دار (تولید خانگی)، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- گرنیت، کیت (۱۳۸۲) زمینه جامعه‌شناسی کار، ترجمه: پرویز صالحی، تهران: نشر مازیار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۳) سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران.

ملکمیان، لیلنا (۱۳۷۲) کاربرد روش‌های نمونه‌گیری در علوم اجتماعی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه.

نور بخش، منوچهر و سپهری، کامران (۱۳۷۶) اقتصاد غیررسمی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

- Becker, g** (1965) A theory of the allocation of time, economic journal, 75 (299):493-517
- Benaria , Lourdes** (1992) Accounting for Woman's Work: The Process of Two Decades, World Development. 20(11)
- Billiton, Tony et al** ,(1981) Introductory Sociology, London and Basingstoke: MacMillan Press LTD.
- Burr, Vivien** (1998) Gender and Social Psychology, London and New York: Rout Ledge,
- Carlson, Neil R.** (1993) Psychology: The Science of Behavior, Boston: Allen.
- Charles, Nickie and Kerr, Marion** (1999) Women's Work in Graham Allan(ed.) The Sociology of Family, Oxford: Blank well Publishers.
- Chodorow , Nancy** (1997) The Psychodynamics of the Family in Linda Nicholson(ed.) The Second Wave, New York and London: Rutledge.
- Ethelm ,Albert** (1968)International Encyclopedia of the Social Science,VOL:6.
- Goldschmidt, Clermont L**(1982) Unpaid Work in the Household:A Review of Economic Evocation Methods Women, Work and Development Series, No.1 International Geneva.
- Goldschmidt, Clermont L** (1982) Unpaid Work in the Household:A Review of Economic Evocation Methods Women, Work and Development Series, NO.1 International Geneva.
- Harvey, Lee and MacDonald, Morag** (1933) Doing Sociology, London: the MacMillan Press LTD.
- Kemmerer and Ritzier and Norman**(1989) Sociology, Boston and London: Allyn and Bacon.
- McConnell, J .V. and philipchalk , R.P.** (1992) Understanding Human Behavior, or London: HBJ Publishers.
- Meager, Kate** (1995) Crisis, In formalization and the Urban Informal Sector in Sub-Saharan Africa, Development And Change, 26(8).
- Morris , Lydia**(1999) The Household and the Lab our Market in Graham Allan(ed.) The Sociology of the Family, Oxford: Blackwell Publishers.
- Nath , K.** (1997) Female Work Participation and Economic Development, Economic And Political Weekly, V(21).
- Oakley, ANN** (1976) Women's Work: The Housewife, Past and Present, New York: Vintage Books.
- Reid, Margaret G.** (1934). Economics of households Production. New York, Wiley and Sons.

Archive of SID

ارزش افزوده کار خانهداری زنان و عوامل مؤثر بر آن ۱۰۹

Robinson ,Rojas (1999) Modernization Theory and the Laws Social Change, World Development, 35(4).

Shepard ,Jan M (1999) Sociology, New York and Boston: Wadsworth.

Silver, Hilary and Frances Goldsneider (1994) Flexible Work Domestic and Housework Work and Family Constraints on Works Domestic Lab our , social force, 15(7).

Tong, Rosemarie (1997) Feminist Thought, London: Rutledge.